

نگاهی به تفسیر منهج الصادقین

حسین ستار*

چکیده: تفسیر منهج الصادقین، از مشهورترین تفسیرهای فارسی است که ملافتح‌الله کاشانی دانشمند شیعه قرن دهم (متوفی ۹۸۸) آن را نوشته است. نگارنده در این گفتار، به شرح حال مختصر کاشانی، استاد مشهور او علی بن حسن زواره‌ای و آثارش، تألیفات کاشانی و ویژگی‌های تفسیر منهج الصادقین پرداخته است.

کلید واژه: کاشانی - مولی فتح‌الله / مفسران شیعه - قرن دهم / زواره‌ای - علی بن حسن / منهج الصادقین.

مقدمه

مسلمانان، از دیرباز به قرآن توجه داشتند. در این میان، نخستین تفسیر فارسی بعد از قرن چهارم نوشته شد که ترجمه تفسیر طبری بود و به دستور منصور بن نوح سامانی انجام گردید. (۱۱: ص ۱۱۵) پس از آن نیز تفاسیر فارسی فراوان نوشته شد، که علاوه بر فضیلت دینی، گنجینه‌ای بزرگ از زبان‌شناسی دربر دارد. (۱۲: ص ۶) از قرن نهم به بعد، این روند، سرعت گرفت. یکی از این تفاسیر - که در این گفتار، به معرفی

*. مربی، گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان.

آن می‌پردازیم - تفسیر «منهج الصادقین فی الزام المخالفین» است، از آثار ملا فتح الله کاشانی.

اطلاعات و تاریخ به جا مانده از این عالم شیعی در مقایسه با همگنان او و نیز با توجه به اهمیت و تنوع نگاه‌های او بسیار کم است و حیرت آور. مرحوم ملا حبیب‌الله شریف در کتاب لباب الالقاب، از او یاد می‌کند و می‌نویسد که من کسی را ندیدم که در رجال علما از او یاد کرده باشد. (۱۴: ص ۸۰) سپس ادامه می‌دهد که:

نوشته‌های وی گواهی می‌دهد به اینکه او عالمی فاضل و جامع علوم معقول و منقول، فقیه و مسلط به لغت، ادبیات و اصول بوده است... تعجب از این است که چگونه احوال این عالم مخفی مانده و در عداد فضلاء یاد نشده؟ برای ما ورم که او به سبب فقر و عدم تمکن دنیوی و از آن روی که در پی جمع مال و اموال نبوده (چنین گمنام مانده)... نام نیکو و شهرت در اکثر دورانها بسته به مال و اموال است نه زهد و علم و کمال. (۱۴: ص ۸۲-۸۱)

به هر حال، وی از مفسران بنام قرن دهم است. هیچ یک از کتب تواریخ به سال تولد او اشاره‌ای نداشته‌اند و صرفاً او را به قرن دهم نسبت داده‌اند. بنابراین تاریخ تولدی از او در دست نداریم. وی به سال ۹۸۸ هـ ق (۱۵۸۰ م) درگذشت. (۱: ج ۲۳، ص ۱۹۴؛ ۱: ج ۴، ص ۴۷۷؛ ۵: ج ۸، ص ۳۹۳؛ ۱۰: ج ۲، ص ۵۹۲)

بررسی ادعای کشف الحجب:

در این بین ادعای سید اعجاز حسین کنتوری منحصر به فرد و غیر قابل قبول می‌باشد. وی سال فوت کاشانی را ۹۹۷ هـ ق (۲۴: ص ۱۴۳ و ۲۰۸) نگاهشته و محل دفن او را در کشمیر دانسته است. (همان: ص ۲۰۸)

این ادعا قابل قبول نمی‌باشد، زیرا:

اولاً: هیچ مدرک تاریخی در سفر ملا فتح‌الله به کشمیر و ارتباطی با آن حوزه در

تاریخ بدست نیامده است .

ثانیاً: مقبره مرحوم ملافتح الله در کاشان، از دیر زمان معروف و دارای ساختمان مخصوص چهار طاقی در ابتدای جاده قمصر و در خیابانی قرار دارد که امروزه ملافتح الله نامیده می شود. ملا حبیب الله شریف نیز از مقبره او به عنوان مکانی معروف و مشهور که زیارتگاه خاص و عام و محل نذرهای مردم در کاشان است یاد می کند و خانه او را نیز در همان نزدیکی می داند. (۱۴: ص ۸۱)^۱

ثالثاً: شخصیتی که همانمی او با ملافتح الله کاشانی موجب این اشتباه شده، مرحوم «فتح الله شیرازی» است. وی از علمای این دوره است، به دعوت شاه علم دوست بیجاپور به هندوستان رفت و به مرور در جرگه خاصان و دوستان اکبر شاه قرار گرفت. همراه با اکبر شاه در سفری که به کشمیر داشت، بیمار شد و درگذشت و در همان جا مدفون گشت. با توجه به یکسان بودن تاریخ فوت فتح الله شیرازی با مدّعی صاحب کشف الحجب، وی سال فوت او را به ملافتح الله کاشانی نسبت داده است، بدان روی که سید اعجاز حسین از شبه جزیره هندوستان بوده و با علمای آن حوزه آشنایی بیشتر داشته است.

مرتضی حسین صدر الافاضل نیز این اشتباه را تایید می کند و می نویسد:

عده ای بعضی از کتابهای ملافتح الله کاشانی تحت عنوان تفسیر منهج الصادقین، خلاصه المنهج، ترجمه نهج البلاغه و ترجمه قانون بوعلی سینا (تالیف فتح الله بن فخر الدین شیرازی) را فقط به خاطر شباهت نام به غلط به میرفتح الله منسوب کرده اند. (۱۵: ص ۴۳۳)^۲

۱. البته لازم به ذکر است که متأسفانه این مقبره در طول سالیان به سبب عدم توجه مسئولان ذیربط صدمات جدی دیده بود که خوشبختانه اخیراً بازسازی اولیه در آن صورت گرفته و امید است که با ادامه این کار شاهد بنایی در خور شخصیت آن مفسر عالی مقام باشیم.

۲. فتح الله شیرازی (۹۲۰ - ۹۹۷ ق) از سادات شیراز که در حدیث و فقه و اصول و ادب و نجوم و هیأت و ←





نیش قبر و احیای وی:

از داستانهای معروف در مورد آن بزرگوار در مصادر تاریخی، داستان احیای او است پس از سکتی که جنازه او را در دخمه‌ای به امانت گذاشتند تا به نجف انتقال دهند. نقل است که در زمان نوشتن منهج الصادقین سکتی‌ای کرد که آن را فوت او دانستند و در قبر به امانت نهادند. وی در قبر به هوش آمد و نذر کرد که اگر نجات یافت، تفسیر را به پایان رساند. شامگاه مرد بنا برای برداشتن لوازم خود - که در آن دخمه نهاده و فراموش کرده بود - درگاه دخمه را گشود. کاشانی نجات یافت و تفسیر را به پایان برد. (۲۳: ص ۲۷۹؛ ۳۵: ج ۱، ص ۳۷۴)

ملا حبیب الله شریف از این گزارش به عنوان داستانی مشهور بر زبانها (قد اشتهر علی الالسن) یاد کرده و می‌نویسد که این حکایت در مورد ملا محمد هادی فرزند ملا صالح مازندرانی نیز نقل شده است. (۱۴: ص ۸۱)

این داستان در مورد شیخ طبرسی (متوفی قرن ۶) نیز بعینه نقل شده و او نیز نذر کرده در صورت نجات از دخمه، تفسیری بر قرآن بنویسد. (۱۸: ص ۳۴۶)

سپس ایشان به نقل روضات، تفصیل این داستان را در مورد مرحوم طبرسی نقل کرده و در انتها می‌نویسد:

شیخ محدث ما (= محدث نوری) فرموده که با این شهرت که ایشان گفته‌اند من

این حکایت را در کتاب احدی قبل از صاحب ریاض نیافتم (۱۸: ص ۳۵۲)

به هر حال، این رویداد، نقش مهمی در مورد دیدگاه ما نسبت به این تفسیر ندارد.

← حساب و کیمیا به درجه کمال رسید.

تصانیف وی عبارتند از: تکملة حاشیه علامه دوانی بر تهذیب المنطق، حالات و عجایب کشمیر، تألیف بعضی از اجزای تاریخ الفی و... (۱۶: ص ۲۷)

نیز در ترجمه ریاض از فتح الله حسینی سلامی شاهی نام برده که به گمان وی در اواخر عمر در هندوستان ساکن بوده است. او را از علمای صفویه دانسته و وی را چنین معرفی نموده: سیداجل امیر کمال الدین فتح الله بن هیبه الله بن عطاء الله حسینی سلامی شاهی. (۴: ج ۴، ص ۳۹۱)

اساتید ملافتح الله:

تنها استادی از وی که سراغ داریم، «ابوالحسن علی بن حسن زواره‌ای» است. (۱) ج ۲۰، ص ۲۷۶) همچنان که معروف شاگردی که از زواره‌ای سراغ داریم، مرحوم ملافتح الله است.

زواره‌ای، از شاگردان محقق کرکی معروف به محقق ثانی است، اما تفسیر را از استادش غیاث‌الدین جمشید المفسر الزواری در یافت نموده است. او همچنین از میر عبدالوهاب بن علی الحسینی الاسترآبادی نیز نقل حدیث می‌کند. (۱) ج ۴، ص ۱۵۲^۱

از آثار او می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. **ترجمة الخواصّ**: تفسیر فارسی قرآن مجید بوده که به تفسیر زواری معروف است. (۲۹: ج ۱، ص ۱۳۵؛ ۳۴: ج ۴، ص ۳۷۶؛ ۱: ج ۴، ص ۱۰۰)

تاریخ اتمام آن سال ۹۴۷ هجری است.

۲. **روضه الأنوار**: در شرح فارسی نهج البلاغه (۲۴: ص ۳۵۸؛ ۲۹: ج ۱، ص ۱۳۵؛ ۳۴: ج ۴، ص ۳۷۶؛ ۱: ج ۱۴، ص ۱۳۶).

۳. **ترجمة كشف الغمّة موسوم به ترجمة المناقب**: (۲۹: ج ۲، ص ۳۹۳) این کتاب با مقدمه مرحوم شعرانی و تصحیح سید ابراهیم میانجی همراه با اصل كشف الغمّة به زیور طبع آراسته گشته است.

۴. **آثار الاخيار در ترجمة تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیہ السلام**.

۵. **مکارم الکرائم در ترجمة مکارم الأخلاق طبرسی**.

۶. **مفتاح النجاة**: در ترجمة عده الداعی ابن فهد. (۱: ج ۲۲، ص ۳۵۵)

۷. **ترجمة احتجاج طبرسی**: (۱: ج ۴، ص ۷۵)

۱. برای اطلاع از زندگی او و آثار وی و اشتباه شرح حال‌نویسان در توصیف او با غیاث‌الدین جمشید کاشانی مراجعه کنید به: شرح حال کاملی از سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای. (۲۶: ص ۳۷)



۸. مرآت الصفا: در مناسک حج و اعمال و ادعیه که خاتمه آن در زیارات است (۱: ج ۲۰، ص ۲۷۶)
۹. مجمع الهدی: در قصص انبیا و ائمه. (۱: ج ۲۰، ص ۴۷)
۱۰. شرح صحیفه سجادیه: که در سال ۹۴۷ از تألیف آن فارغ شده است. (۱: ج ۱۳، ص ۳۵۳؛ ۳۵: ص ۳۷۱)
۱۱. وسیلة النجاة در ترجمه اعتقاد صدوق. (۱: ج ۲۵، ص ۸۸؛ ۲۹: ج ۲، ص ۳۹۳)
۱۲. تحفه الدعوات که در برگیرنده اعمال سال و ادعیه است. (۲۹: ج ۲، ص ۳۹۳)
۱۳. ترجمه اربعین حدیث شهید اول. (همان)
۱۴. لوامع الانوار در معرفت ائمه اطهار: (کتابخانه آیه الله مرعشی، ش ۳۷۴)
۱۵. طراوة الطائف: در ترجمه «الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف» سید ابن طاووس (کتابخانه آیه الله مرعشی، شماره ۱۰۸۶)
- با مقایسه اجمالی این آثار و آثار ملافتح الله مشاهده می شود:
- الف - هر دو کتاب «احتجاج طبرسی» را ترجمه نموده اند. البته احتمال می رود که مورخین یک کتاب را به هر دو نسبت داده اند. (۳)
- ب - هر دو بر قرآن و نهج البلاغه شرح مفصلی زده اند.
- ج - هر دو مولف (استاد و شاگرد) کتاب تفسیری خود را در واکنش به تفسیر مواهب علیه کاشفی نگاشته اند.
- بررسی سخن مرحوم بهار در مورد زواره ای:**
- ملک الشعرا بهار، علی بن حسن زواره ای را از نویسندگان و مفسران نامی صفویه دانسته و تفسیر وی را از تفاسیر مشهور بعد از تفسیر طبری و ابوالفتوح و گازر و جواهر التفسیر ملاحسین واعظ کاشفی می داند. وی او را مردی مفسر و فقیه و محدث و فاضل و ادیب که «در تصانیف و تراجم به تصوف مایل بوده» معرفی

می‌نماید. (۷: ج ۳، ص ۳۰۳)^۱

سعید نفیسی در شرح حال زواره‌ای از گرایش او به صوفیه یاد می‌کند. (۳۵: ج ۲،

۳۷۱)



در مورد تمایل زواره‌ای به تصوف نکات ذیل قابل ذکر است:

اولاً: تمایل مرحوم زواره‌ای به تصوف در هیچ جای دیگر ذکر نشده است و مشخص نیست مرحوم بهار و نفیسی به استناد چه مطالبی وی را به این گروه نزدیک می‌دانند.

وی به لحاظ استعداد شگرف و پیشرفت قابل توجه در معارف اسلامی و کسب مدارج عرفانی مورد سعایت ناهلان قرار گرفته و او را به صوفی‌گری و گرایش به تصوف متهم کرده‌اند. البته وی اهل عرفان بوده ولی عرفان به معنای توجه به خدا و انقطاع از غیر او و زهد و وارستگی؛ ولی اهل صوفی‌گری و مریدبازی و مسایلی از این قبیل نبوده است و مسلماً کسی که در فقه و حدیث و مسائل شرعی مرجع عام و خاص است از تصوف چندان دلخوشی ندارد. (۲۹: ص ۳۹)

ثانیاً: خود مرحوم بهار در همین کتاب با اشاره به تسلط گفتمان اهل سنت در ایران قبل از صفوی می‌نویسد: «علمای شیعه با تصوف سروکاری نداشتند.» (۷: ص ۲۵۴) و نیز یاد آور می‌شود که «صوفی‌گری در دوره شاه طهماسب (یعنی همان دوره مرحوم زواره‌ای) دیده نمی‌شد.» (۷: ص ۲۵۴)

وفات مرحوم زواره‌ای در اواسط قرن دهم (حدود ۹۶۰) بوده است. شگفتا! مردی با این تالیفات گسترده و خدمات ارزنده علمی و تحصیل در دامن بزرگواری چون محقق کرکی و تربیت شاگردانی همچون ملافتح الله کاشانی در عرصه تاریخ و شرح زندگی بسان شاگرد خود مهجور مانده و اطلاعات تاریخی بسیار اندکی از او به ما رسیده است.

۱. امروزه هیچ یک از سه تفسیر طبری و ابوالفتوح گازر و جواهر التفسیر ملاحسین واعظ کاشفی بین فارسی‌زبانان به اندازه منهج الصادقین شهرت ندارد.

شاگردان ملا فتح الله:

از تمام متونی که در زندگی این بزرگوار جستجو نمودم جز یک شاگرد از وی نیافتم: رضی الدین شاه مرتضی (۹۵۰- ۱۰۰۹ ق) (۱: ج ۱۴، ص ۷۹) وی فقیه، متکلم، مفسر و ادیب و اصولی و پدر عالم مشهور، ملامحسن فیض کاشانی است. حوزه درس شاه مرتضی همانند تهجد و تقوا و کتابخانه بزرگ او در این شهر شهرت فراوان داشته است.

فرزندان وی:

کمبود اطلاعات و داده‌های تاریخی از این چهره درخشان در این قسمت نیز غباری از تاریکی بر چهره او افکنده است. در تاریخ آنچه از فرزندان او سراغ داریم یک پسر و یک دختر می‌باشد.

پسر او «علی رضا کاشانی» دارای کتابی است به نام «وسيله النجاه» که نسخه‌ای از آن را مرحوم آقابزرگ طهرانی در مکتبه امیر المومنین علیه السلام در نجف دیده است. این کتاب در باب شرح چهل حدیث به زبان فارسی است که حدیث چهلیم آن در باب جزیره خضراء است. وی در این کتاب خود را به «علی ابن فتح الله» و مشهور به «رضا» توصیف نموده است. (۱: ج ۵، ص ۴۰۰)

اما از آنچه مرحوم ملاحیب الله شریف در کتاب ارزنده لباب الالقاب می‌گوید می‌توان دریافت که او دارای دامادی صاحب فضل و متبحر در علم تفسیر و از نزدیکان به قلم ملا فتح الله بوده است. وی می‌نویسد:

چنین گفته شده است که تفسیر فارسی منهج الصادقین در هنگام فوت ملا ناقص بوده و بعد از رحلت وی توسط دامادش به اتمام رسیده است. (۱۴: ص ۸۳-۸۲)

هر چند اصل ادعای ناتمام بودن تفسیر و اتمام آن توسط داماد وی صحیح نیست و در جای دیگر این گفتار به آن پرداخته ایم، اما مشخص می‌شود که داماد او دارای تبصری در این علم بوده که بتوان در باب او چنین نسبتی داد. البته از نام و

شهرت و یا آثار احتمالی او چیزی در دست نداریم.

تألیفات:

حوزه تألیفات این نویسنده کوشا را می‌توانیم به سه گروه مختلف تقسیم کنیم:

الف) تفسیر قرآن:

- ۱- منهج الصادقین فی الزام المخالفین در تفسیر قرآن کریم.
- ۲- خلاصه المنهج: که تلخیص منهج الصادقین توسط مولف است.
- ۳- زبده التفاسیر به عربی: این تفسیر به لحاظ حجم تفسیر متوسط وی بین تفسیر کبیر منهج و وجیز خلاصه المنهج است.

ب) تفسیر نهج البلاغه:

تنبيه الغافلین و تذکره العارفين. (۲۹: ج ۵-۶، ص ۲۰)

ج) ترجمه

۱- ترجمه قرآن

ترجمه القرآن به فارسی که آن را در حاشیه قرآن نگاشته است. (۱: ج ۴، ص ۱۲۷؛

۲۹: ج ۵-۶، ص ۲۰)

۲- کشف الاحتجاج: (۱: ج ۱۸، ص ۷-۸؛ ۲۹: ج ۵-۶، ص ۲۰)

۳- ترجمه قواعد الاحکام تالیف علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلی. (۳۵: ص

۳۷۴)

د) کلامی:

۱- اثبات واجب (نسخه خطی رضوی، شماره ۶۷۹)

از صفحه آخر این کتاب برمی‌آید که تاریخ اتمام آن سال ۹۴۹ هجری است. نیز نویسنده به اسم نیای خود نیز با عنوان «لطف الله» اشاره می‌کند که در هیچ ماخذ دیگری مذکور نیست. از دیگر سوا این کتاب با تمامی کتب دیگر ملافتح الله به لحاظ



موضوعی تفاوت دارد.

۲- علامات ظهور و قیامت: (نسخه عکسی در مرکز احیای میراث اسلامی به شماره ۱۷۷۲

نسخه عکسی آن موجود است.)

این کتاب نیز همانند کتاب اثبات واجب در ذریعه و ریحانه الادب و ریاض و دیگر کتب تراجم مذکور نیست. کتاب در ۹۷ صفحه تدوین شده است. نسخه‌ای از آن نیز در کتابخانه مدرسه آیة الله بروجردی در کرمانشاه موجود است که در قرن ۱۲ کتابت شده است.

دو نکته:

۱. مرحوم سید محسن امین در ذکر آخرین آثار مرحوم ملا فتح الله دو کتاب دیگر به نام «ملاذ الفقهاء» و «ماده التاريخ» را ذکر می‌کند. (۵: ج ۸، ص ۳۹۳) آثاری از مرحوم ملا با این عناوین در دسترس نیست. عامل این سهو آن است که این اسم، اشاره به تاریخ وفات و ماده تاریخ رحلت مرحوم ملا فتح الله است (ملاذ الفقهاء) که مولف آن را از تالیفات او گرفته است. (نیز بنگرید: ۱۳: ج ۱۰، ص ۱۹۹)

این بیت که منتسب به مرحوم محتشم کاشانی است، در ماده وفات ملا فتح الله بر سنگ قبر آن بزرگوار نگاشته شده است:

مفتی دین مبین کاشف قرآن مبین	واقف سر قدر عالم اسرار قضا
هادی وادی تفسیر که در حل کلام	خاطرش بود در اسرار یقین پرده گشا
فقها را چو ملاذی به جز آن قدوه نبود	بهر تاریخ نوشتند ملاذ الفقهاء

(۲۰: ج ۱، ص ۴۵، مقدمه شعرانی)

آشنایی با کتاب منهج الصادقین:

مهم‌ترین کتاب ملا فتح الله و ماندگارترین اثر او، تفسیر جامع «منهج الصادقین فی الزام المخالفین» است. با اینکه بیش از ۴ قرن از زمان تدوین این کتاب ارزنده

می‌گذرد همچنان مورد توجه محققان و قرآن پژوهان است. بعضی محققان او را معروفترین کسی می‌دانند که به زبان فارسی در طریقه شیعه تفسیر نوشته است. (۳۵: ص ۳۷۴)

معرفت، تفسیر منهج را در سنخ تفاسیر روایی و در بین ۱۴ تفسیر معروف ارزیابی می‌کند. (۳۱: ج ۲، ص ۳۴۶)

نخستین چاپ در تهران به سال ۱۲۹۶ ق (۱۲۵۷ ش) به اهتمام جهانگیر میرزا مشهور به میرزا آقا به چاپ سنگی و در یک مجلد قطع رحلی (۳ جلد در یک مجلد) بوده است. چاپ‌های بعدی این کتاب با مشخصات ذیل انجام گرفته است: - تبریز، چاپ سنگی، ۳۰ جلد، قطع رحلی بزرگ چاپ اول ۱۳۰۵. - تهران، چاپ دوم، مکتبه اسلامی، ۱۳۸۶ ق، قطع وزیری، تحقیق علامه ابوالحسن شعرانی.

- تهران، انتشارات علمیه اسلامی، مطبوعه علمیه، چاپ اول، ۱۳۸۵ ق، ۱۰ جلد، قطع وزیری، به تصحیح علی اکبر غفاری و مقدمه و حواشی سید ابوالحسن مرتضوی.

ویژگی‌های منهج الصادقین

۱. این کتاب در دوره اخیر با اهتمام و تصحیح مرحوم شعرانی به چاپ رسیده است. آن بزرگوار نیز مقدمه‌ای بر این کتاب نگاشته است و در آن، ضمن بحث در باب بعض مسائل علوم قرآنی، به تفصیل به صیانت قرآن از تحریف پرداخته است. او علاوه بر این به بعض مسائل و سوالات مطروحه در باب تفسیر منهج همچون مراجعه فراوان مولف به اقوال عامه و اسرئیلیات و اخبار آحاد پاسخ داده و جایگاه موارد فوق را در تفسیر بررسی نموده.

البته مرحوم شعرانی بر جلد دو نیز مقدمه‌ای دیگر نوشته که بیشتر ناظر به سوالات و اشکالاتی است که راجع به این تفسیر ایجاد شده است. وی ابتدا ضمن

بیان طریقه مولف در تفسیر به بیان جایگاه تفاسیر جدید (المنار و طنطاوی) پرداخته و نیم نگاهی نیز به تفسیر فیض و صافی دارد.

۲. تفسیر منهج الصادقین مشتمل بر مقدمه‌ای طولانی است شامل ده فصل: اسامی بعضی از قراء قرآن و صحت اسناد قرائت سبعة، ذکر اسامی قرآن و سوره و آیه و وجه تسمیه هر یک، اصح اعداد آیات قرآنی و فایده و معرفت آن و تبیین معنا و تفسیر و تاویل و تفسیر نزول قرآن علی سبعة احرف. مفصل‌ترین قسمت مقدمه، در ذکر احادیث و اخبار دال بر ترغیب قرائت قرآن و دانستن معانی فرقان است. ۳. از دیدگاه مفسّر، «علمی که مثمر سعادت اخروی و مصالح امور دنیوی است، علم قرآن است» به این دلیل که «ماخذ اصول شریعت مصطفوی و مصدر فروع نبوی است که عمل به آن سبب رستگاری دنیا و عقبی است» او در تأیید این دیدگاه خود از روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام بهره می‌گیرد. (۲۰: ج ۱، ص ۲)

۴. مرحوم ملا فتح الله در مقدمه خود متذکر می‌شود که بواسطه عدم توانایی بهره برداری عموم مردم از تفاسیر عربی و معلق بودن تفاسیر فارسی، به همراه تفصیل موجود در این تفاسیر و یا ایجاز فراوان و یا کثرت استفاده از الفاظ فارسی قدیم به اندیشه تدوین کتاب دست یافته است. البته این کلام، ناظر به تفسیر کاشفی نیز بوده است چه آن تفسیر «اگر چه به جواهر عبارات بلیغه و لآلی فصیحه محلی بود، اما چونکه موافق روش مخالفین و مخالف مذهب ائمه صادقین صلوات الله علیهم اجمعین بود، در نظر اعتبار، مار زرنگار می‌نمود، چه ظاهر آن مزین بود به نقوش جمیله و باطنش مملو از سموم عقاید قاتله» (همان: ص ۴)

۵. او در تدوین این کتاب با اصل قرار دادن قرائت سبعة در تقریر و تفسیر آیات (همان: ص ۴) علاوه بر آنکه از تفاسیر قدیم بهره می‌جوید، دست به کاوش در منابع و کتب تاریخ و کلام و حدیث و فقه و اصول نیز می‌زند و از منابع مختلف به خصوص از تفاسیر فارسی قبل خود نیز بهره برده است (همان: ص ۴) بدین منظور که: «تفسیری

از آن انتخاب نماید که مبتنی باشد بر حلّ معانی قرآن بر طبق قرائت سبعة که مسلم الثبوت و مجمع علیه جمیع موافق و مخالف است.» (همان: ص ۴) و در نتیجه تفسیری تدوین نموده شامل موارد ذیل:

ذکر اسرار و نکات و اسباب نزول، احادیث، قصص ائمه هدی علیهم السلام، فضل سور و آیات و وجه ارتباط آن، بیان مسایل فقهی، مباحث لغوی و اعراب در حد میانه، رفع شبهات مخالفان و ابطال مذهب ایشان.

در پایان این مقدمه وجه تسمیه کتاب را چنین یاد می‌کند: «چون مقصد اقصی و مطلب اعلی از این منتخب، ایضاح طریق ائمه صادقین علیهم السلام است به حجج واضحه و الزام مخالفین به براهین باهره، از این جهت مسمی شد به منهج الصادقین فی الزام المخالفین» (همان: ص ۴-۵)

۶. او در تفسیر خود، ترجمه را در ضمن تفسیر می‌آورد و با ذکر شأن نزول آیات و مباحث ادبی و بلاغی، توجه خاصی به اقوال عامه و قصص وارده در باب تفسیر قرآن دارد. تفسیر بیضاوی و مباحث ادبی و کشف زمخشری نیز مورد توجه ویژه اوست. اما اینکه بعض محققین، کتاب ترجمه الخواص زواره‌ای را نیز از مصادر این تفسیر دانسته‌اند (۶؛ ۳: ص ۲۰۱)، شاهی بر آن ارایه نداده‌اند و نگارنده نیز موردی بر آن نیافت.

۷. تفسیر او تفسیری ترتیبی و جامع از قرآن کریم است. او در ابتدای هر سوره به نقل ابی بن کعب، فضل سور را بیان می‌کند (هر چند محققین در صحت این استناد و نقل تردیدهای جدی دارند. (بنگرید: ۱۳: ص ۱۲۳) ابتدا می‌کوشد که به گونه‌ای بین آن و سوره قبل، ارتباط معنایی ایجاد کند.

۸. از نکات مورد توجه او در این تفسیر، اهتمام ویژه او به دفاع از جایگاه اهل بیت علیهم السلام و مقام شامخ آن بزرگواران است که در این باب نیز سعی عمده او تلاش از استفاده از منابع اهل تسنن است.



همین کثرت استفاده از روایات است که سبب شده تفسیر منهج را از قسم تفاسیر روایی بدانند (۳۳: ج ۱، ص ۳۴۶) هر چند صحیح تر آن است که این تفسیر از قسم تفاسیر واعظانه است. (۱۷: ص ۲۲۸)

۹. علامه آقا بزرگ طهرانی در الذریعه یاد آور شده که: ... ذکر فی خطبته انه آورد کثیرا من اخبار العامة الزاماً لهم (۱: ج ۲۳، ص ۱۹۳-۱۹۴؛ ۲۴: ص ۵۶۸) این سخن صحیح به نظر نمی‌رسد. در خطبه ابتدای کتاب چنین مطلبی یافت نشد، هر چند طریقه ملا فتح الله در تفسیر چنین است و بر روایات عامه فراوان در اثبات نظریات خود استناد می‌نماید.

در بین راویان عامه، بیشترین روایت منقول در این تفسیر، از آن ابوهریره است. لازم به ذکر است که اعتماد و استفاده و ذکر روایات موثق اهل سنت در کتب تفاسیر قبل و بعد از ملا فتح الله، در کتب تفاسیر متعدد شیعه همچون کتاب تفسیر «الصابی» و «المحججه البیضاء» فیض کاشانی و تفسیر ابوالفتوح رازی و تفسیر «مجمع البیان» به چشم می‌خورد، همچنان که در کتب غیر تفسیری همچون «جامع السعادات» نراقی و «شرح اللمعه» این سنت ادامه یافته است.

۱۰. کاشانی هر جا روایتی آورده، معنای فارسی را نیز به سان قرآن بیان می‌دارد. نیز از اشعار فارسی و عربی زیادی نیز بهره گرفته هر چند نام شاعر را مشخص ننموده است.

۱۱. از دیگر موارد قابل توجه، کثرت بیان اقوال عرفا و صوفیان است که در برخی موارد رنگ و بوی تفاسیر عرفانی را به این تفسیر جامع می‌دهد.

او از ابن عربی و سلمی بیش از دیگران بهره می‌برد و در جای جای تفسیر به متون مهم عرفانی همچون روح الارواح (نوشته شهاب الدین منصور سمعانی)، مصابیح القلوب (۱۹: ج ۸، ص ۴۲۲)، قوت القلوب (همان: ج ۵، ص ۱۰۶ و ۲۰۱)، کشف الاسرار (همان: ج ۵، ص ۵۶۳)، لوامع (۷: ۳۴۱)، لطایف (۱۰، ۱۴۳)، تاویلات



ماتریدی و انوار (۳: ۳۵۳ و ۷: ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۴: ۳۵۷) استناد می‌کند. در مواردی دیگر به بیان تفاسیر عرفانی قشیری (۱: ۴۳۰ و ۷: ۳۴۱)، بکرین عبید (۱۰: ۱۸۳)، ابوسعید ابوالخیر (۳: ۴۳۲)، ابوالقاسم بلخی (۱۰: ۱۸۳)، شیخ جنید (۹: ۱۶۰ و ۷: ۳۴۱)، ابن عطا (۹: ۱۶۰)، خواجه پارسا (۷: ۳۴۱)، ماتریدی (۵: ۴۲۹)، قاسم انوار (۷: ۳۴۱)، سفیان ثوری (۶: ۳۸۷)، شبلی و شیخ نجم‌الدین دایه در بحر الحقایق (۹: ۱۶۰) می‌پردازد.

سید ابوالحسن مرتضوی، یکی از مصححین منهج الصادقین، در چند مورد به نقد بیان تفاسیر عرفانی در تفاسیر واعظانه پرداخته و پرداختن به این اقوال را مناسب این کتاب نمی‌داند. این نقد، البته با توجه به آن که مفسر گرانقدر نیز مخاطب خود را عامه مردم می‌داند (همان: ج ۱، ص ۴) قابل قبول است.

شدیدترین این حملات مصحح به این رویه مفسر، مربوط به تفسیر آیه ﴿أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى﴾ (نازعات: ۷۹: ۲۴) است. کاشانی به قول یکی از عرفا استناد کرده که: یکی از عرفا مناجات کرد که خداوندا این چه حال است که فرعون **أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى** گفت و حسین منصور حلاج (انا الحق)! هر دو یک دعوی کردند؛ روح حسین در علیین است و از آن فرعون در سجین. هاتقی آواز داد که فرعون به خودبینی در افتاد و همه خود را دید و خود را گم کرد پس در میان فرق بسیار است. (همان: ج ۱۰، ص ۱۴۴)

مصحح (آقای مرتضوی) از این رویه مفسر انتقاد می‌کند و می‌نویسد:

باز هم ذوق عارفانه مرحوم مؤلف به اهتزاز آمده و سخن یکی از اقطاب صوفیه را - که آن علاء الدوله سمنانی و سر سلسله صوفیه علائیه است - نقل نموده ولی قسمتی از کلمات وی را ذکر نکرده است...

تعجب است از مرحوم مؤلف که این کتاب را بعنوان تفسیر قرآن کریم تألیف و آن را منهج الصادقین فی الزام المخالفین نامیده؛ مع الوصف در مواضع عدیده کثیری از اراجیف و اکاذیب و خرافات و اوهام جمعی از صوفیه را نقل نموده که هم از نظر اکابر علماء شیعه مانند شیخ مفید و شیخ صدوق و شیخ طوسی و

شیخ بهایی و امثالهم بلکه جمعی از علماء عامه نیز چون ابن جوزی در تلبیس ابلیس و ابن‌الندیم در فهرست، محکوم به کفر و الحاد و حلول و اتحادند و هم از معاندین ائمه طاهرین علیهم‌السلام به شمار آمده‌اند. و اعجب از این، نگارشات بعض معاصرین است در اینجا که خواسته محمل صحیحی از برای کلمات کفر آمیز حسین حلاج درست کند. (همان: ج ۱۰، ص ۱۴۴)

۱۲. در موارد دیگر مباحث فقهی را نیز ارایه و نظر خود را بیان می‌کند. (همان: ج

۱۰، ص ۲۴؛ ج ۹، ص ۱۵۴)

۱۳. در این کتاب روایات مردود و تواریخ مجعول و اسرائیلیات آمده که قابل بررسی است، همانند اسلام قیصر بعد از درد چشم و شفای او توسط نامه‌ای از حضرت علی با محتوای بسمله (همان: ج ۱، ص ۳۴) که صحیح به نظر نمی‌رسد، چه آن‌که اگر قیصر روم آیین خود را تغییر داده بود، در کتب تاریخ معروف و مشهور بود و سبب اشتهار اسلام در حوزه امپراتوری رم می‌شد.

۱۴. صاحب کتاب لباب الالقباب می‌نویسد:

گفته شده که تفسیر معروف فارسی او «منهج الصادقین» در هنگام فوت او ناتمام ماند و داماد او آن را به پایان رسانید. (۱۴: ص ۸۲ - ۸۳)

در ردّ این قول موارد ذیل قابل ذکر است:

اول: صاحب منهج خود در ابتدای کتاب می‌نویسد:

و بر پنج مجلد ترتیب یافت به جهت موافقت آن بعدد آل عبا اثر تیمن و تبرک پذیرفته علی احسن التصرف و النظام سمت اختتام یابد. (۱۹: ج ۱، ص ۵)

دوم: آن‌که اگر او خود تفسیر را به اتمام نرسانده بود، چگونه وی کتب تلخیص

منهج را به فارسی و عربی بازگردانده است؟

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آقابزرگ طهرانی، محمد محسن. طبقات اعلام الشيعة: الكواكب المنتشرة في القرن الثاني بعد العشرة. تحقيق: علي نقی منزوی. تهران: دانشگاه تهران.
۲. _____ الذريعة الى تصانيف الشيعة. بيروت: دار الاضواء.
۳. استادی، رضا. آشنایی با تفاسیر. قم: قدس.
۴. افندی اصفهانی، میرزا عبدالله. رياض العلماء و حياض الفضلاء. ج ۴. ترجمه: محمدباقر ساعدی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس، اول.
۵. امین، سید محسن. اعيان الشيعة. تحقيق: حسن امين. بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۶. ایازی، سید محمدعلی. سير تطور تفاسير شيعة. رشت: کتاب مبین.
۷. بهار (ملک الشعراء)، محمدتقی. سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی. تهران: امیرکبیر.
۸. تفضلی، آذر و فضائلی جوان، مهین. فرهنگ بزرگان اسلام و ایران از قرن اول تا ۱۴ هجری. مشهد: آستان قدس رضوی.
۹. جعفریان، رسول. کاوش‌های تازه در باب روزگار صفوی. قم: انتشارات ادیان.
۱۰. حاجی خلیفه. کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون. بیروت: دارالفکر.
۱۱. درودی، موسی. نخستین مفسران پارسی نویسنده (کتاب اول). تهران: نور فاطمه. بی تا.
۱۲. سادات ناصری، سیدحسین و دانش‌پژوه، منوچهر. هزار سال تفسیر فارسی، سیری در متون کهن تفسیری پارسی با شرح و توضیحات. تهران: البرز، اول. ۱۳۶۹.
۱۳. سبحانی، جعفر. موسوعة طبقات الفقهاء. قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
۱۴. شریف کاشانی، حبیب‌الله. لباب الالباب فی القاب الاطیاب.
۱۵. صدر الافاضل، سید مرتضی حسین. مطلع الانوار: احوال دانشوران شیعه پاکستان و هند. ترجمه: دکتر محمد هاشم. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ ش.
۱۶. عارف تقوی، سیدحسین. تذکره علمای امامیه پاکستان. ترجمه: دکتر محمد هاشم. مشهد: بنیاد



پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی. ۱۳۷۰ ش.

۱۷. فهیمی تبار، حمید. **روش شناسی تفسیر منهج الصادقین**. پژوهشهای قرآنی، شماره ۴۶ و ۴۷، ۲۲۹-۲۱۶. ۱۳۸۵.
۱۸. قمی، شیخ عباس. **فوائد الرضوية في احوال علماء المذهب الجعفرية**. بی جا: بی تا.
۱۹. کاشانی، ملافتح الله. **منهج الصادقین و الزام المخالفین**. تصحیح: علی اکبر غفاری. پاورقی: سید ابوالحسن مرتضوی. تهران: علمی، ۱۳۳۶ ش.
۲۰. ———. **منهج الصادقین و الزام المخالفین**. تصحیح: ابوالحسن شعرانی. تهران: اسلامیة، ۱۳۴۷ ش.
۲۱. ———. **تنبيه الغافلین و تذكرة العارفين**. به اهتمام: حاج ملا شکرالله رازی لواسانی طهرانی. تهران: بی نا، ۱۳۰۵.
۲۲. کحاله، عمر رضا. **معجم المؤلفین**. بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۳. کلاتر ضرابی، عبدالرحیم. **تاریخ کاشان**. با کوشش ایرج افشار. تهران: فرهنگ ایران زمین. ۱۹۶۳ م.
۲۴. کنتوری، اعجاز حسین. **کشف الحجب و الاستار عن احوال الكتب و الاسفار**. قم: مکتبه آیه الله المرعشی. ۱۴۰۹ ق.
۲۵. گروه مترجمان. **ترجمه تفسیر طبری**. با تحقیق حبیب یغمایی. تهران: انتشارات طوس، چاپ دوم. ۱۳۵۶ ش.
۲۶. گلی زواره، غلامرضا. **مفسری گمنام و تفسیر او**. آیین پژوهش، شماره پیاپی ۲۳، (۴۸-۳۷) ۱۳۷۲.
۲۷. ———. **تفسیر ترجمه الخواص**. آیین پژوهش. سال دوم، شماره سوم، (۴۸-۳۹)، ۱۳۷۰.
۲۸. محمودی، محمداقر. **نهج السعادة في مستدرک نهج البلاغة (ج ۱)**. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول، ۱۳۹۶ ق.
۲۹. مدرس، محمد علی. **ریحانة الادب: في تراجم المعروفین بالکنية و اللقب**. تهران: خیام، ۱۳۶۹.



۳۰. مطهری، مرتضی. خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: صدرا. ۱۳۶۸.
۳۱. معرفت، محمد هادی. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب (ج ۲). قم: منشورات الجامعه الرضويه. ۱۳۷۷.
۳۲. _____ . تحريفناپذیری قرآن. ترجمه: علی نصیری. تهران: سمت، ۱۳۷۹.
۳۳. _____ . تفسیر و مفسران (ج ۱). قم: موسسه التمهيد، اول، ۱۳۷۹.
۳۴. الموسوی الخوانساری الاصفهانی، سید محمد باقر. روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات. تحقیق و شرح: محمد علی روضاتی. طهران: دار الکتب الاسلامیه. ۱۳۸۲ق.
۳۵. نفیسی، سعید. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری. تهران: فروغی. ۱۳۶۳.
۳۶. نمازی، شیخ علی. مستدرک سفینه البحار. تصحیح: شیخ حسن بن علی النمازی. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. بی تا.